

طراحی مدل و تبیین اصول و مبانی توسعه امنیت عمومی (اجتماعی)

سر تیب دوم پاسدار اسکندر مومنی^۱

۹۰/۶/۲۶

تاریخ دریافت:

۹۰/۸/۲۳

تاریخ پذیرش:

چکیده

هدف از این پژوهش، طراحی مدل و تبیین اصول و مبانی امنیت عمومی (اجتماعی) در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از مبانی نظری متناسب و با توجه به قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها، روندها و شرایط موجود است. در این طراحی، یک مدل ترکیبی پنج‌سطحی؛ شامل اجرایی و عملکردی، پشتیبانی، مدیریت عالی، اصول و مبانی و تعاملات محیطی مد نظر قرار گرفته است. تمرکز مدل بر سطح اجرایی و اقدام می‌باشد که خود برگرفته از مدل سه‌شاخگی می‌باشد. محورهای این سه شاخه شامل اهداف، محیط و اقدام می‌باشد که از ترکیب مؤلفه‌های اساسی این محورها، فرایندهای اصلی به دست خواهد آمد؛ همچنین به منظور تعیین اصول پایه و سیاست‌های کلان برای تعیین باید‌ها و نبایدها، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌ها در حوزه برنامه امنیت عمومی، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. پس از بررسی اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تعداد ۳۰ اصل و سیاست کلان مرتبط با موضوع طرح احصا گردیده و با لایه‌های مدل پیشنهادی توسعه امنیت عمومی و اجتماعی انطباق داده شد. سپس با تلفیق و یکپارچه‌سازی اصول سسی گانه فوق در چارچوب اصول دوازده گانه‌ای به‌عنوان اصول پایه و سیاست‌های کلان ناظر تدوین راهبردهای توسعه امنیت عمومی (اجتماعی) در جمهوری اسلامی ایران ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی:

امنیت عمومی، طراحی مدل، توسعه امنیت، تبیین اصول و مبانی، امنیت اجتماعی

مقدمه

جستجوی امنیت اجتماعی از مهم‌ترین نیازها و انگیزه‌های انسانی است. مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آنها توسط حکومت‌ها و دولت‌هاست. امروزه کشورها مهم‌ترین واحد سیاسی در صحنه روابط خارجی و داخلی هستند و مهم‌ترین هدف و وظیفه آنها تلاش برای تأمین امنیت فراگیر و عمومی است. مردم نیز از دولت و نهادهای سیاسی و امنیتی جامعه برای تأمین امنیت و آرامش جامعه همراه با رفاه اقتصادی و هویت آن بیشترین انتظار را دارند. اسلام امنیت را در زمره بزرگ‌ترین مواهب الهی قلمداد می‌کند و آن را نعمتی ناشناخته و هم‌تراز سلامتی می‌داند. امروزه همراه با تحولاتی که در منابع تولیدکننده قدرت و تهدید پدید آمده، مفهوم و نحوه تأمین امنیت نیز دچار تحول شده است و متغیرهای جدیدی مانند قدرت تولید و بهره‌وری، میزان تولید دانش و اطلاعات و میزان کنترل و تسلط بر افکار عمومی به‌عنوان نمونه‌ای از این منابع به شمار می‌روند. در شرایط فعلی، محیط امنیتی یک لایه پیوسته و همراه با محیط اجتماعی است که از تعامل میان عوامل مؤثر در ساخت محیط اجتماعی پدید می‌آید. وجود نگاه سیستمی به این مسئله نشان خواهد داد که کارکردهای متقابل یا نادرست حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی چگونه بر امنیت یک جامعه تأثیر مثبت و منفی خواهد داشت.

رشد جوامع و خودشکوفایی آنها متکی بر سرمایه‌های انسانی و اجتماعی بوده و این هر دو، نیازمند امنیت است. کشور ما نیز در طول تاریخ خود فراز و فرودهای زیادی را شاهد بوده و درگیری‌های نظامی، جنگ‌های داخلی و ناآرامی‌ها را تجربه کرده و تأمین امنیت همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز پدیده‌هایی مانند رشد جمعیت، مهاجرت‌های گسترده، توسعه شهرهای بزرگ و گسترش حاشیه‌نشینی، تداوم تحریم‌های اقتصادی غرب و فعالیت‌ها و اقدامات نرم در ایجاد بحران‌های اجتماعی و هویتی، موجب شده موضوع ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد امنیت و آرامش عمومی مورد توجه جدی و دغدغه دولت و مردم قرار گیرد.

بیان مسئله

بنابر آنچه گفته شد برای تبیین و توسعه امنیت عمومی ضرورت دارد مدلی طراحی شود که بتواند با در نظر گرفتن تهدیدات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و روندها شرایط موجود را مورد

بررسی قرار دهد تا بتوان بر آن اساس سیاستها و راهبردهای اساسی ارتقای امنیت عمومی و اجتماعی تدوین شده و برنامه‌ریزی صحیح به منظور اقدامات مقابله‌ای و همچنین تأمین امنیت و ایجاد آرامش جامعه صورت گیرد. به عبارت دیگر هدف اصلی از این تحقیق پیشنهاد مدلی برای تبیین سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای امنیت عمومی (اجتماعی) و ایجاد آرامش در جامعه می باشد.

مفاهیم و اصطلاحات

امنیت ملی

در دوران معاصر گفتمان‌های مطالعات امنیتی اغلب در دو مقوله رایج مطرح شده‌اند: یکی گفتمان امنیت سلبی و دیگری گفتمان امنیت ایجابی. در گفتمان امنیت سلبی که ریشه در مکتب واقع‌گرایی^۱ داشته و عقبه فکری آن نیز بر اساس نگاه بدبینانه به ذات انسان بر اساس نظرات نویسنده‌گانی چون «ماکیاول» و «هابز» برمی‌گردد، امنیت با نبود تهدید تعریف می‌شود و تهدید یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در تعریف امنیت به کار رفته است؛ به عبارت دیگر فهم امنیت بدون درک تهدید امکان‌پذیر نیست. پژوهشگران این حوزه ضمن تأکید بر قدرت نظامی عمدتاً به بررسی و شناسایی ابعاد و مصادیق تهدید در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... می‌پردازند تا اینکه شناختی فلسفی و دقیق از مفهوم فوق ارائه کنند.

گفتمان امنیت ایجابی در پی نقد مبانی و اصول گفتمان سلبی شکل گرفت. نگرش به امنیت به عنوان یک مفهوم دست‌دوم و بی‌توجه به محتوای فلسفی امنیت دو انتقاد مهمی بود که برگفتمان امنیت سلبی وارد می‌شد. در این گفتمان امنیت به نبود تهدید تعریف نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق امنیت نیز مورد تأکید است. این نگاه جدید به مفهوم امنیت که با ظهور محققان مدرن و فرامردن شکل گرفت با تأکید بر اولویت امنیت و بررسی فلسفی تهدید، معتقد است که ابعاد نرم‌افزاری تهدید بر ابعاد سخت‌افزاری آن کاملاً برتری دارد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹).

با توجه به ملاحظات فوق، تعاریف مختلفی از تهدید و امنیت توسط اندیشمندان ارائه شده است. برای مثال «آرنولد و لفرز» امنیت را در بعد عینی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها و در

جهت ذهنی فقدان ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد هجوم واقع شوند تعریف می‌کند و مکتب کپنهاگ نیز امنیت را احساس‌رهایی از تهدید تعریف می‌کند و معتقد است امنیت ملی صرفاً پس از درک معقول از ماهیت تهدیدات امکان‌پذیر است (بوزان، ۱۳۸۶: ۸۴). زیگیو برژینسکی نیز در بیانی جامع‌تر که با رویکرد عملی دولت‌ها بیشتر منطبق است، امنیت ملی را به معنی محدود آن یعنی امنیت نظامی صرف نمی‌داند و برای امنیت ملی ملاحظات بیشتری را در نظر می‌گیرد از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فناورانه، حیات عقیدتی و ... و معتقد است تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد.

امنیت عمومی

در این تحقیق، تعریف ما از امنیت عمومی «وضعیتی است که ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدیدی نسبت به جان، مال، ناموس و عرض خود در امان بوده و در خصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش کنند» (مومنی، ۱۳۸۹: ۱۱۳)

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی نسبت نزدیکی با مفهوم «هویت» دارد. در این رابطه جوامع، زمانی از امنیت اجتماعی برخوردارند که هویت آن جامعه مورد تهدید واقع نشود. منظور از تهدید هویت جامعه، تهدیدی است که بقای جامعه را دچار مشکل سازد (Waver, ۱۹۹۳: ۲۵). منظور از امنیت اجتماعی، تداوم پایدار هویت، منافع، مزیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی یک جامعه و راهکارهای حل کشمکش‌های اجتماعی موجود است. از سوی دیگر امنیت اجتماعی به مفهوم پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، اجتماع، آداب و هویت مذهبی و ملی در درون یک شرایط مورد قبول برای رشد و پیشرفت است (Watson, ۲۰۰۵: ۹).

امنیت فردی

امنیت فردی به بخش یا سطحی از امنیت اشاره می‌کند که موضوع اصلی آن فرد است؛

به تعبیر دیگر «فرد مهم ترین موضوع یا مرجع امنیت تلقی می شود.» امنیت فرد محور اگرچه از یک جهت رویکردی با سطح تحلیل خرد به نظر می رسد؛ اما از جهت دیگر در بالاترین موقعیت تحلیلی قرار می گیرد و حتی از سطح تحلیل امنیت جهانی نیز فراتر می رود؛ زیرا نگاه فرد گرایانه عمومیت و شمول بیشتری دارد و مقید به هیچ قید سرزمینی، دولتی، بین دولتی یا حتی موضوع جهانی مانند محیط زیست نیست؛ بلکه تنها فرد انسانی به طور مطلق مورد توجه آن است (رهپیک، ۱۳۸۶: ۹-۱۹).

اصول و سیاست های پایه: مجموعه ای ثابت از شروط و قواعدی است که رعایت آن لازم و منبعث از اسناد بالادستی است که در عمل تکلیف موارد ذیل را مشخص می کند:

۱- بایدها و نبایدها

۲- اولویت ها

۳- جهت گیری ها

روش و شیوه تحقیق

مطالعه با روش تحلیل محتوای گفتمان (در حوزه امنیت عمومی) و با ابزار بررسی مدارک و اسناد (فن کتابخانه ای) انجام شده است.

مبانی نظری و مدل تحقیق

با توجه به تجربیات موجود و مطالعات انجام شده و در نظر گرفتن شرایط بومی کشور موارد زیر به عنوان نتایج راهبردی و کلیدی جهت مدل سازی مطرح می گردد. تفکر سیستمی و نگاه یکپارچه به همه عوامل توسعه امنیت عمومی به عنوان یک نظام واحد کلان فرابخشی، مهم ترین عامل ایجاد موفقیت در کاهش نا امنی ها است. این امر در قالب یک معماری کلان و به صورت یک بسته یا مجموعه با ابعاد زیر شکل خواهد گرفت:

- وجود یک نهاد فرابخشی سیاست گذار
- طراحی و ترسیم عوامل چرایی های نظام (چشم انداز، اهداف، راهبردها، رویکردها و ...)
- طراحی و تدوین چگونگی های نظام (ساختارهای نرم افزاری و سخت افزاری)
- توسعه شاخص ها و فرایندهای کلیدی توسعه امنیت عمومی و اجتماعی (فرایندهای

اصلی، شاخص های محوری و ...)

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته فوق، مدل ترکیبی پنج سطحی با استفاده از روش‌های ذیل برای تدوین راهبردها ارائه می‌شود (ایکاف، ۱۳۸۲: ۸۶):

۱- استفاده از روش مدیریت راهبردی که بر ایجاد تمرکز تأکید دارد. این تمرکز بیشتر روی فرایندها و نقاط اصلی و خاص هستند.

۲- استفاده از روش کلاسیک برای سطح‌مند کردن مدل؛ این روش می‌گوید نهادها از جمله نهادهای انتظامی عموماً دارای لایه‌های تودرتو هستند.

۳- استفاده از روش فرایندی برای تنظیم فرایندهای هسته اصلی برنامه که حرکت از مقابله به آماده‌سازی است.

۴- استفاده از مدل سه‌شاخگی برای شناسایی اقدامات اساسی و لایه‌های محیطی؛ به عبارت دیگر ارتباط لایه‌های محیطی با سطوح اقدام و اهداف کلان

۵- استفاده از مطالعات تطبیقی برای شناسایی محتوا و استفاده از تجربیات و مطالعات به‌عمل‌آمده دیگر کشورها. بر این اساس ساماندهی کلان مدیریتی در سطوح و لایه‌های پنج‌گانه به شرح زیر است (نادری، ۱۳۸۴: ۲۲۱):

الف) سطح اجرایی و عملکردی

در این سطح با توجه به تجارب موجود برای تبیین علل ناامنی و بررسی جرایم امنیت عمومی باید به عوامل ریشه‌ای و پایه‌ای توجه کرد. برای مثال به جای مقابله با مجرم به موقعیت جرم‌خیزی و عوامل پدیدآورنده آن توجه جدی داشت که این اقدامات با آنچه که در گذشته وجود داشت تغییر خواهد کرد؛ بدین معنی که استانداردها و اقدامات دولت و پلیس باید بر اساس بازده و نتایج ارزیابی شوند. امروزه نهادهای امنیتی موفق، موقعیت خود را بر اساس «نتایج» به‌دست آمده و نه بر اساس سطح بهره‌وری شغلی صرف، ارزیابی می‌کنند. نهادهای انتظامی با انجام تدابیر مدیریتی و مهار و کنترل زمینه‌های جرم، درصد قابل توجهی از میزان جرایم را کاهش دادند؛ به عبارت دیگر برخورد نهادهای متولی امنیت عمومی با جرایم باید از حالت واکنشی به‌صورت پیشگیری آن هم پیشگیری از عوامل جرم‌خیز باشد. بنابراین اهم فرایندهای اصلی که در این سطح (سطح اجرایی و عملکردی) می‌توان نام برد عبارتند از (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۱۷۱):

۱- مقابله با جرم و موقعیت‌های جرم‌خیز و عوامل اجتماعی بوجودآورنده آن

۲- مهار و کنترل تخلفات و جرایم

۳- پیش‌بینی و پیشگیری تخلفات و جرایم در قالب تعریف دقیق معضلات و ارائه راهکار برای برون‌رفت از جمله:

- کسب اطلاعات دقیق و به موقع
- آمادگی واکنش سریع
- تاکتیک‌های مؤثر
- ارزیابی و پیگیری مستمر

۴- ایجاد نوعی آمادگی در کارکنان واحدهای انتظامی از تشخیص اطلاعات حاصله تا بصیرت کامل نسبت به علل ریشه‌ای تخلفات و جرایم و راهکارهای نظام‌مند

۵- مصون‌سازی جامعه نسبت به تخلفات و جرایم

۶- تأکید متوازن بر جرایم خطرناک و کم اهمیت

۷- تکیه بر کیفیت روابط اجتماعی

بنابراین جهت هدایت و کنترل فرایندهای فوق در یک روش نظام‌مند مدل سه‌شاخگی زیر را که برگرفته از مدل معروف سه‌شاخگی ساختار، رفتار و زمینه است ارائه می‌دهیم: این مدل برنامه توسعه امنیت عمومی و اجتماعی را در سه محور و سه طیف نشان می‌دهد. بر اساس محورهای سه‌شاخگی، سطوح توسعه‌یافتگی امنیت از منظر سه‌گانه به شرح زیر است.

• در محور محیط، همه دستگاه‌های امنیت‌ساز در سه حوزه محیطی با توجه به میزان تأثیرگذاری در حوزه امنیتی آرایش می‌یابند.

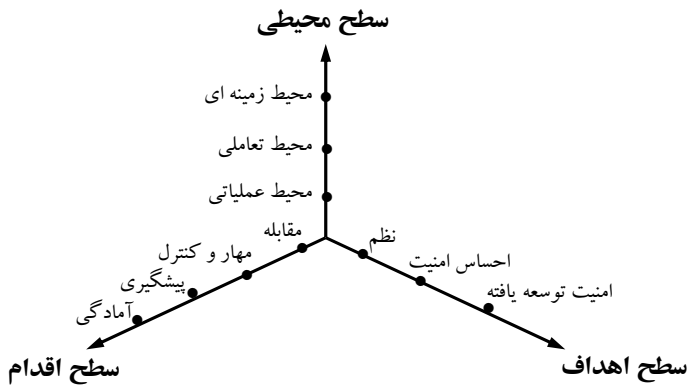
• در محور اهداف راهبردی به‌عنوان محصول نهایی، نظام امنیتی دارای اهداف راهبردی شامل نظم (نظم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی)، احساس امنیت و امنیت توسعه‌یافته (امنیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) است.

• در محور اقدامات، اقداماتی تحت عنوان فرایند اصلی تحقق اهداف راهبردی بیان شد. این فرایند عبارت است از: مقابله و مبارزه، مهار و کنترل، پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی

بر اساس این مدل تحقق اهداف راهبردی یعنی تحقق امنیت توسعه‌یافته و پایدار مستلزم تحقق فرایندهای اصلی معطوف به اهداف به‌عنوان اقدامات راهبردی در حوزه‌های محیطی (محیط عملیاتی، تعاملی و زمینه‌ای) است. لازمه تحقق این امر، حرکت از سر طیف پایینی

(مرکز سه شاخگی) به سمت قسمت‌های پیشرفته‌تر (نوک فلش) است؛ بدین معنی که برای هماهنگی کامل در چارچوب یک تقسیم کار ملی و با هدایت یک نهاد فرابخشی ضمن مقابله و مبارزه با تخلفات و جرایم علیه امنیت عمومی و با کنترل و مهار آن امکان اقدامات پیشگیرانه را میسر ساخته و از بروز ناامنی و تخلفات و آثار آن جلوگیری نماید.

مدل سه شاخگی توسعه امنیت عمومی و اجتماعی



همچنین دستگاه و نهادهای مرتبط مزبور با هدایت نهاد انتظام بخش به جای تکیه بر مقابله و مبارزه، اقدامات آماده‌سازی را طرح‌ریزی و اجرا کنند تا ضمن خنثی‌سازی تبعات تخلفات و جرایم، پیکر اجتماع از ضربات این‌گونه جرایم مصون ماند و از این منظر، روان جامعه و افراد آن از امنیت لازم برخوردار شوند. پیداست برای دستیابی به چنین امنیت توسعه‌یافته‌ای یک نهاد خاص نمی‌تواند تنها مبارز صحنه باشد و سایر دستگاه و نهادهای مرتبط که تأثیر و تعامل جدی در تأمین امنیت توسعه‌یافته دارند تماشاگر صحنه باشند؛ بنابراین همه نهادها و مؤسسات مرتبط باید در قالب یک نظام ساختمانند ضمن ادراک نقش‌ها و مسئولیت‌ها، بازیگران اصلی و عملی تأمین امنیت باشند.

فرایندهای اصلی و شاخص‌های مرکزی مدل

با توجه به مطالعات وضع موجود و مطالعات تطبیقی و با عنایت به نظر خبرگی فرایندهای اصلی و زیرفرایندها و شاخص‌های مرکزی، مدل به شرح زیر است: (همان، ۲۲۷)

۱- مقابله

الف) کسب اطلاعات دقیق



ب) واکنش سریع با آمادگی کامل

ج) به کارگیری تاکتیک‌های مؤثر

د) مستندسازی

هـ) ارزیابی و پیگیری مستمر

و) اصلاح و بهبود مستمر

۲- مهار و کنترل

الف) کاوش و جستجو

ب) کشف

ج) اقدام

د) مستندسازی

هـ) بازخورد

و) اصلاح و بهبود مستمر

۳- پیشگیری (با رویکرد پیش‌بینی)

الف) شناسایی موقعیت‌ها و زمینه‌های اجتماعی بروز جرم

ب) تحلیل مستمر علت‌ها

ج) طرح‌ریزی راهکارها

د) اجرا

هـ) مستندسازی

و) بازخورد

ز) اصلاح و بهبود مستمر

۴- آمادگی

الف) جمع‌آوری و پردازش داده‌ها

ب) تولید اطلاعات

ج) کسب، تولید، ذخیره‌سازی و تحلیل و بومی‌سازی دانش

- (د) به کارگیری دانش (توسعه مهارت‌های اجتماعی)
- (ه) تولید ادراک و درونی کردن تغییر و بهبود هنجارهای اجتماعی
- (و) مستندسازی
- (ز) بازخورد
- (ح) اصلاح و بهبود مستمر

شاخص‌های مرکزی مدل

برای تمرکز اقدامات و همچنین ارزیابی و کنترل فرایندها و نتایج شاخص‌های زیر در نظر گرفته می‌شود:

- شاخص‌های بهبود و کاهش جرایم خطرناک
- شاخص‌های بهبود و کاهش جرایم مهم و کم اهمیت (خرد)
- شاخص‌های بهره‌وری نظام توسعه امنیت عمومی در مراحل مقابله، مهار و کنترل، پیشگیری و آمادگی
- شاخص رضایت و آرامش جامعه

ب) سطح پشتیبانی

میزان تخلفات و جرایم تنها به شناسایی شاخص‌ها و هدف‌گذاری جهت کاهش آن محقق نمی‌شود؛ بلکه نظام پایه باید مجموعه‌ای از اقدامات و الزامات حاصل از پشتیبانی نرم و سخت را به کار گیرد تا امکان تحقق شاخص‌های مورد نظر جهت عدم وقوع تخلفات و جرایم محقق شود. اندیشمندان بزرگ مدیریت مانند «کاپلان و نورتون» نیز بر این الزامات و پشتیبانی‌ها تأکید کرده‌اند. بنابراین برای کاهش و کنترل تخلفات و جرایم و ارتقای امنیت عمومی بر اساس چشم‌انداز و اهداف تدوین شده، حتماً ضروری است طرح‌هایی را در زمینه‌های پشتیبانی‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تدوین و اجرا کرد که اهم این طرح‌ها عبارتند:

- توسعه نیروهای امنیتی حرفه‌ای از طریق توسعه منابع انسانی ماهر و متخصص و کافی با نگاه مأموریت‌گرا به جای وظیفه‌گرا
- توسعه و به کارگیری فناوری پیشرفته و ایجاد و توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی جهت

دستیابی به اطلاعات و آمارهای دقیق تر

- توسعه آموزش و فرهنگ سازی با تأکید بر آموزش و فرهنگ سازی از طریق والدین (خانواده)؛ آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها؛ آموزش مردم محله
 - توسعه خدمات درمانی و جبرانی آسیب دیدگان
 - توسعه و تنظیم قوانین و مقررات
 - توسعه تحقیقات و پژوهش و ایجاد تیم‌های تحقیقاتی
 - توسعه نهادها و جلب مشارکت‌های عمومی
 - ارتباط نظام مند با نهادها و مردم محلات به منظور تسهیل در امور تداوم مشاهده و آگاه سازی نسبت به مشکلات امنیتی؛ مشورت با آنها برای دستیابی به راهکارهای مبارزه با جرم و افزایش امنیت اجتماعی؛ آگاه سازی مردم محله از خطرات تخلفات و جرایم و ارائه خدمات مشاوره‌ای به شهروندان محله
 - شرکت در اجتماعات محلی و ورزش محلات
 - توسعه نظارت و کنترل‌های پلیسی
 - توسعه اطلاع رسانی و ایجاد نهادهای تجزیه و تحلیل جرایم
 - همکاری نظام مند و روش مند پلیس مناطق با یکدیگر
 - توسعه مراکز فرهنگی و تفریحی سالم در محلات و نظارت درست بر آنها
- در نتیجه با توجه به موارد فوق، تحقق هر راهبردی جهت نائل شدن به شاخص‌های مورد نظر با اجرای برنامه‌های پشتیبانی نرم و سخت عملی می‌شود؛ پس لایه بعدی مدل جهت تحقق شاخص‌های مورد نظر شامل مؤلفه‌های پشتیبانی نرم افزاری و سخت افزاری می‌باشد که عبارتند از:

مؤلفه‌های پشتیبانی

- منابع انسانی (توسعه منابع انسانی ماهر و متخصص و کافی بانگرس مأموریت گرا به جای وظیفه گرا) و مالی
- فناوری اطلاعات و ارتباطات
- آموزش و فرهنگ سازی (با تأکید بر توسعه آموزش خانواده، مدارس و محلات)
- تحقیق و توسعه و ایجاد تیم‌های تجزیه و تحلیل جرایم
- نهاد سازی با تأکید بر نهادهای محلات

- استانداردسازی
- پایگاه اطلاعاتی
- مدیریت و برنامه‌ریزی
- قوانین و مقررات
- بهبود روش‌ها و فرایندها
- اطلاع‌رسانی
- نرم‌افزارهای تخصصی
- بیمه و تأمین اجتماعی
- کنترل و نظارت
- توسعه مشارکت عمومی
- خدمات مشاوره‌ای در محلات
- مؤلفه‌های پشتیبانی سخت‌افزاری (تجهیزات عمومی و تجهیزات تخصصی...)
- توسعه مراکز تفریحی - تجاری سالم در محلات و نظارت سازنده بر آنها

ج) سطح مدیریت عالی

دستیابی به امنیت عمومی و اجتماعی یک مسئله فرابخشی است. یعنی برای دستیابی به امنیت داخلی و کاهش تخلفات و جرایم دستگاه‌های مختلفی مسئولیت دارند. در این سطح دولت‌ها که مسئولیت شکل‌دهی سیاست‌های ملی و توسعه منطقه‌ای، تخصیص منابع برای سرمایه‌گذاری و ارائه چارچوب قانونی برای اجرای فعالیت‌ها را به عهده دارند، نقش زیادی دارند. در این سطح دولت‌ها با نگاه فرابخشی به تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها، سازماندهی کلان، هدایت و کنترل و همچنین تدوین ساختارهای فرابخشی می‌پردازند تا در چارچوب آن سطوح پایین‌تر با تدوین راهبرد مربوط به خود انسجام لازم را بیابند.

بررسی‌های موجود و همچنین مطالعات طرح‌های برخی کشورها نشان می‌دهد برای ایجاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان، هدایت و نظارت عالی بر دستگاه‌های مختلف و تشکیل نهادهایی تحت عناوین مختلف ضروری است که اهم فعالیت‌های آنها عبارتند از:

- هدایت و راهبری کلیه دستگاه‌های مرتبط در قالب یک تفکر نظام‌گرا و هدفمند
- طراحی و تدوین طرح‌های راهبردی که به‌عنوان سند پایه‌ای برای دستگاه‌های مرتبط

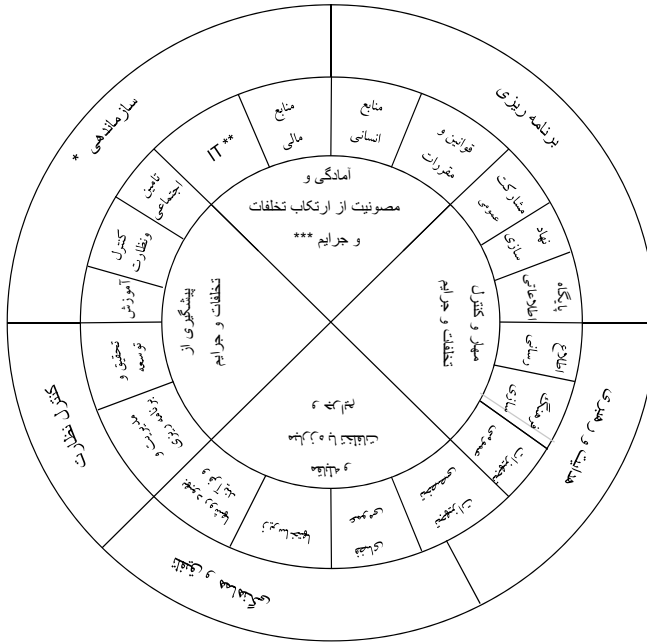
تلقى می‌شود.

- طراحی، تدوین و ارائه مشکلات و مسائل راهبردی
 - تصویب استانداردهای جدید و شاخص‌ها
 - ایجاد مبانی نظری مشترک در جهت رسیدن به چشم‌انداز توسعه در میان دستگاه‌های مربوطه
 - طرح‌ریزی زیربنایی و ساختاری
 - طراحی و برنامه‌ریزی در حوزه امنیت عمومی و اجتماعی
 - هماهنگی سه سطح محلی، ملی و منطقه‌ای
 - توسعه مدیریت محیط تعاملی
- با توجه به فعالیت‌های فوق مؤلفه‌های مدیریت عالی را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

مؤلفه‌های مدیریت عالی

- برنامه‌ریزی
- سازماندهی
- هدایت و رهبری
- هماهنگی
- کنترل و نظارت

نمودار شماره (۳) ساختار ایستایی مولفه های توسعه امنیت عمومی



* سطح مدیریت عالیه
 ** سطح پشتیبانی
 *** سطح اجرایی

(د) سطح اصول و مبانی

برای تهیه چشم انداز، راهبرد و برنامه های توسعه امنیت عمومی و اجتماعی ضروری است که اصول و مبانی فراگیر توسط نهادهای بالادست رعایت شوند که این اصول بر تمامی مؤلفه ها در حوزه های مدیریت عالیه، پشتیبانی، اجرایی و عملکردی (رفتاری) اشرافیت داشته و بر آنها تأثیر می گذارد.

اصول و مبانی حاکم بر توسعه امنیت عمومی شامل موضوعات زیر است:

- بایدها و نبایدها
- اولویت بندی
- رویکردها و جهت گیری ها

۱- رویکرد کلی

توسعه امنیت عمومی و اجتماعی از طریق اعمال قوانین و مقررات و تغییر و بهبود رفتارهای

اجتماعی در حوزه امنیت است. پس لازمه این نوع اعمال، برخورداری از یک اقتدار ملی است تا بتواند در سایه این اقتدار، رفتار کاربران و اخلال گران را سازماندهی کند. کاربرد رویکرد نظام امنیت عمومی بدین گونه است که نوع نگاه به اقتدار را تبیین و مشخص نماید. در این رویکرد نگاه به اقتدار متفاوت است؛ بدین معنی که تحول پایدار در نظام با اعمال قدرت صرف برای تغییر رفتار به دست نمی آید؛ بلکه افراد باید نسبت به تغییر رفتار خود احساس تعهد درونی داشته باشند؛ به عبارت دیگر اگر تغییر رفتار از روی اقتناع درونی صورت گیرد، اقتداری که در نتیجه تعهد درونی افراد نسبت به تغییر رفتار حاصل شود، برای همیشه در افراد نهادینه شده و منجر به تحول اساسی در نظام خواهد شد. بنابراین رویکرد اصلی برنامه توسعه امنیت عمومی باید رویکردی فرهنگی-اجتماعی باشد که از این منظر احساس اقتناع و تعهد درونی نسبت به تغییر رفتار افزایش یابد.

۲- اصول و سیاست‌های پایه

در این قسمت به منظور تعیین اصول پایه و سیاست‌های کلان برای تعیین بایدها و نبایدها، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌ها در حوزه برنامه امنیت عمومی و اجتماعی اسناد بالادستی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. برای تعیین اصول و سیاست‌های کلان نظام امنیت عمومی مستندات حقوقی و قانونی شامل سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای برنامه پنجم توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی این مستندات تعداد ۳۰ اصل و سیاست کلان مرتبط با موضوع طرح از مستندات مذکور احصا گردیده و با لایه‌های مدل پیشنهادی توسعه امنیت عمومی تقاطع داده شد. در این زمینه تلاش شد با تلفیق جامع و همه‌جانبه فرازها در ارتباط با هر یک از لایه‌های مدل، اصول و سیاست‌های کلان طرح به گونه‌ای انتخاب شود که از یک طرف در چارچوب اصول و سیاست‌های کلان مندرج در مستندات حقوقی و اسناد بالادستی مربوطه باشد و از طرف دیگر ناظر به عناصر مدل پیشنهادی حاضر و بیشترین نقش را در تدوین برنامه پنجم داشته باشد. جدول شماره یک حاصل فرایند مذکور است:

جدول شماره ۱: تعیین اصول پایه و سیاست‌های کلان برنامه

ردیف	مستند حقوقی	ماده	بند	لایه‌های مدل پیشنهادی اصول و سیاست‌ها (فرازاها)	حوزه مدیریت عالی	حوزه پشتیبانی	حوزه اجرایی	تعاملات محیطی	
۱	اصول و سیاست فرهنگی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)	اصول سیاست فرهنگی	۱۹	گسترش زمینه مشارکت مردم در امور فرهنگی و حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت	P	P			
۲			۴	شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزارهای مفید و مناسب		P		P	
۳			۲۱	آموزش، تشویق و تقویت روح اجتماعی و مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیش‌قدم‌بودن دولت در دفاع از حرکت قانون و حقوق مشخص		P	P		
۴			۹	بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات		P	P	P	
۵		اولویت‌ها و سیاست‌های کلی		۱	اولویت‌دادن به «کودکان و نوجوانان و جوانان» در داخل کشور	P	P		
۶				۸	تشویق سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در جهت تأمین نیازهای بخش فرهنگ و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه و تضمین حقوق سرمایه‌گذاران		P		
۷				۱۱	توجه به بازسازی و نوسازی، تجهیز و توسعه ظرفیت تأسیسات و مراکز فرهنگی و هنری موجود و استفاده از فناوری جدید و وسایل ارتباط جمعی و بهره‌برداری حداکثر از آن.		P	P	
۸		اصول و سیاست فرهنگی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی)	اولویت‌ها و سیاست‌های کلی	۱۲	تمرکز در سیاست‌گذاری، عدم تمرکز در امور اجرایی و هماهنگی تشکیلات و فعالیت‌های فرهنگی و هنری		P	P	
۹				۱۳	تقویت ظرفیت‌های پژوهشی و نظام آماری و اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی و ارزشیابی فعالیت‌های فرهنگی		P		
۱۰				۱۵	تقویت ارتباط مناسب و مکمل بین بخش فرهنگی و بخش آموزش کشور، به ویژه در زمینه تربیت نیروی انسانی و گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری در مراکز آموزش		P	P	
۱۱				۱۷	آموزش مستمر نیروی انسانی و مدیران شاغل در بخش فرهنگ		P		

ردیف	مستند حقوقی	ماده	بند	لایه‌های مدل پیشنهادی اصول و سیاست‌ها (فرازاها)	حوزه مدیریت عالی	حوزه پشتیبانی	حوزه اجرایی	تداخلات محیطی	
۱۲	قانون برنامه چهارم توسعه	۱۰۴	الف	اصلاح قوانین و مقررات، برای رفع موانع انحصاری، تقویت رقابت‌پذیری و فراهم سازی زمینه‌های بسط مشارکت مردم، نهادهای غیردولتی، صنفی و حرفه‌ای در امور فرهنگی		P	P		
۱۳			هـ	توسعه ساختارها و زیربنای لازم برای رشد محصولات فرهنگی توسط بخش خصوصی و تعاونی	P	P	P		
۱۴		۱۰۶	س	توسعه مشارکت‌های مردمی در عرصه فرهنگ		P			
۱۵			م	تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی در کلیه سطوح اجتماعی برای آموزش، گسترش و تعمیق فرهنگ کار و نظم اجتماعی، شناخت ارزش زمان و رعایت آن در انجام کلیه فعالیت‌ها	P	P	P		
۱۶		۱۳۵	-	تعریف و تنظیم نقش و وظایف دولت در حوزه‌های «امور حاکمیتی» و «امور تصدی‌های فرهنگی»		P			
۱۷			الف	انجام امور حاکمیتی دولت، توسط دستگاه‌های دولتی و عنداللزوم با جلب مشارکت مردم و تقویت و توسعه کپی منابع انسانی، منابع مالی، فناوری انجام کار و تجهیزات دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط	P	P			
۱۸			۱۳۷	-	طراحی تشکیلات کلان دستگاه‌های اجرایی متناسب با سیاست‌ها و احکام برنامه چهارم توسعه جهت برطرف کردن اثربخشی نواقص، تعارض‌های دستگاهی غیر کارآمدی و عدم جامعیت، عدم کفایت، موازی‌کاری‌ها و همچنین بهره‌گیری همه‌جانبه از فناوری نوین و روش‌های کارآمد با هدف نوسازی، متناسب‌سازی تجدید ساختار و به‌صورت یک منظومه منسجم، کارآمد، فراگیر و با کفایت، اثربخش و غیرمتمرکز	P	P	P	
۱۹				۱۴۲	-	اصلاح و بهبود مدیریت نیروی انسانی بخش دولتی		P	
۲۰	۱۴۵			-	کاهش حجم تصدی‌ها و افزایش مشارکت مردم در اداره امور کشور و کوچک‌سازی دولت	P	P	P	
۲۱		۱۴۶	-	متناسب‌سازی تعداد کارکنان دستگاه‌های اجرایی با اهداف و مأموریت اصلی آن		P			

ردیف	مستند حقوقی	ماده	بند	لایه‌های مدل پیشنهادی اصول و سیاست‌ها (فرازاها)	حوزه مدیریت عالی	حوزه پشتیبانی	حوزه اجرایی	تفاعلات محیطی		
۲۲	سیاست‌های حاکم بر برنامه پنجم			تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید						
۲۳				استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام.		P				
۲۴				تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان.			P			
۲۵				اهتمام به توسعه ورزش و حمایت از گسترش فعالیت‌های گردشگری با تأکید بر سفرهای زیارتی			P			
۲۶				ارتقای امنیت اجتماعی	مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر و روانگردان و اهتمام به اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر		P	P		
					سامان بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن			P		
					استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی				P	
۲۷				تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی			P			
۲۸				حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت			P			
۲۹				تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی با تأکید بر:	تقویت نقش مردم و اطلاعات مردمی در پیشگیری از تحرکات ضد امنیتی			P		
					تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تأمین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اختلال در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم			P		
					ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی				P	
					تقویت زیرساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی				P	
۳۰				ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی به‌منظور دفاع از حاکمیت تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی و ایجاد توازن منطقه‌ای با تأکید بر:	اهتمام به حضور نیروهای مردمی در امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان			P		
					امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها				P	

بدین ترتیب با تلفیق و یکپارچه‌سازی اصول ۳۰ گانه فوق (مندرج در سند چشم‌انداز، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی) در چارچوب مدل فوق موارد ۱۲ گانه زیر به‌عنوان اصول پایه و سیاست‌های کلان ناظر بر برنامه ارائه می‌شود:

۱- تقویت و ارتقای نقش زمینه‌ساز دولت (مجموعه حاکمیت و نظام) در قلمرو امور حاکمیتی توسعه امنیت عمومی و اجتماعی (تمرکز در سیاست‌گذاری) و کاهش تصدی‌گری آن در حوزه اجرا با تأکید بر تقویت و کارآمد نمودن نظام برنامه‌ریزی و نظارت (توسط دولت)

۲- تقویت روحیه جامعه‌محوری و احترام به شخصیت انسانی در متولیان توسعه امنیت اجتماعی مبتنی بر حفظ روح دیانت و عزت‌مندی و اقتدار در تعامل با مردم

۳- ارتقا، نوسازی، متناسب‌سازی ساختار و تشکیلات کلان امنیت عمومی به‌صورت یک منظومه منسجم کارآمد، فراگیر و با کفایت و استقرار ساختارها و نظام‌های پایه

۴- متناسب و متوازن سازی عرصه‌ها و وظایف به‌منظور رفع تعارض‌های دستگاهی، تمرکز امور، موازی‌کاری‌ها و تداخل وظایف در حوزه امنیت عمومی

۵- بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و عقلانی جهانی برای توسعه امنیت عمومی و ایجاد ساختارهای مناسب

۶- توسعه و تقویت منابع انسانی، مالی، پژوهشی، آموزشی، فناوری‌های نوین و امکانات و تجهیزات مدرن مورد نیاز امنیت عمومی در نقاط حساس و با تأکید بر نظام‌مندسازی و هدفمندی

۷- تقویت مشارکت و به‌کارگیری مؤثر و کارآمد نهادهای مردمی و به‌ویژه بسیج در توسعه امنیت عمومی

۸- تقویت روحیه اجتماعی و مقدم‌داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی و احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی به‌عنوان یک فرهنگ اجتماعی

۹- توسعه امنیت محله‌ها با همکاری تعاملی مردم، نهادهای مردمی و امنیتی در محله‌ها (امنیت محله‌محور)

۱۰- اولویت‌دادن به حقوق کودکان، نوجوان، جوانان و زنان به‌عنوان عوامل اصلی جامعه

هدف در برنامه‌ریزی‌های راهبردی

- ۱۱- تقدم فرهنگ‌سازی (آماده‌سازی) و پیشگیری بر برخورد فیزیکی و سخت‌افزاری
- ۱۲- تقویت زیرساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی.

هـ) سطح تعاملات محیطی

توسعه مدل و الگوی امنیت عمومی تحت تأثیر نیازمندی‌ها و تعاملات محیطی شامل بوده و دائماً در راستای توسعه فناوری و سایر تغییرات فرهنگی و اجتماعی، تغییر در دیگر سطوح پدید می‌آید. اهم این تعاملات عبارتند از:

• اعمال فعالیت‌های امنیتی با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی به صورت هدفمند در تعامل با محیط انجام می‌گیرد.

• شهرها و مناطقی که در دستیابی به سازوکارهای همکاری و تعامل قابل قبول سازمانی ناموفق بودند، در حل مشکلات رو به افزایش تخلفات و جرایم، موانع و مشکلات محیطی به جایی نرسیده‌اند.

• نهاد امنیتی فرابخشی برای کسب اطلاعات و تحلیل درست محیط دائماً در ارتباط با نهادهای متولی امنیت عمومی بوده و با ایجاد ارتباطات اطمینان‌بخش، انتقال اطلاعات امنیتی و سایر رویدادها را به صورت دوره‌ای و نظام‌مند محقق می‌کند.

• هماهنگی در سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی باعث هم‌افزایی سطح‌مند فعالیت نهادهای درگیر در امنیت عمومی و اجتماعی شده و هرگونه تحولات به وجود آمده به صورت نظام‌مند در تمام مؤلفه‌های مطرح مربوطه تأثیر می‌گذارد.

بنابراین با توجه به تعاملات فوق، مؤلفه‌های سطح محیطی به شرح ذیل تعیین می‌شود:

مؤلفه‌ها و لایه‌های محیطی

- محیط عملیاتی
- محیط تعاملی
- محیط زمینه‌ای

نتیجه گیری

با عنایت به مدل پنج سطحی فوق و با وجود تمرکز اقدامات بر هسته اصلی مدل که خود با مدل سه شاخگی تدوین شد، باید توجه داشت که برای تدوین یک برنامه راهبردی جامع توسعه امنیت عمومی و اجتماعی باید همه سطوح پنج گانه فوق به صورت همه جانبه و متوازن در نظر گرفته شده و برای هر سطح نیز طراحی مناسبی صورت گیرد. تجربیات موجود در جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها نشان داده است که یک نهاد خاص با امکانات گسترده و توانمندی فراوان یا نهادی با ارائه برنامه تک سطحی هرگز به نتایج مطلوب نائل نخواهند شد؛ زیرا امنیت یک محصول اجتماعی و یک فرآورده بین بخشی و خروجی کل جامعه است. بنابراین یکی از دلایل عمده ناکارایی برخی طرح ها و برنامه های ارتقای امنیت عمومی تک ساختی، تک نهادی بودن، جزیره ای عمل کردن و نداشتن یک مدل و نقشه نظام مند کل نگر است. این آسیب به ویژه در حوزه ها و مناطقی که تفکر جامع و کلان نگرانه دچار ضعف بوده و همکاری های گروهی، فعالیت های جمعی و اقدامات بین بخشی نهادینه نشده، بیشتر مشهود خواهد بود. لذا به نظر می رسد که مدل طراحی شده فوق که حاصل تجربیات داخل کشور از جمله نگارنده مقاله و نیز مطالعات تطبیقی برخی کشورهاست، بتواند یک چارچوب و مدلی مناسب و بومی برای مطالعات و طراحی های توسعه امنیت عمومی به دست دهد. امید است که جهت استفاده محققان و دست اندرکاران حوزه امنیت عمومی مؤثر افتد.

منابع

- ۱- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبدشکافی تهدید، تهران: مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی دانشگاه امام حسین (ع).
- ۳- ایکاف، راسل (۱۳۸۲)، بازآفرینی سازمان، ترجمه تقی ناصر شفیعی، اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مدیری، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
- ۴- ایکاف، راسل، برنامه ریزی تعاملی، ترجمه سهراب خلیلی، تهران: نشر ماد
- ۵- باقریان، محمد (۱۳۷۹)، مفاهیم و چهارچوب مدیریت راهبردی با نگرش بومی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۶- بوزان، باری (۱۳۸۷)، مردم، دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۷- بوزان، باری (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، شماره شایک ۴-۸۴-۶۹۴۶-۹۶۴
- ۸- نادری، علیرضا (۱۳۸۴)، نظام جامع توسعه پلیس، تهران: مرکز تحقیقات پلیس راهور
- ۹- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، مدیریت بحران (۱)، تهران: معاونت آموزش ناجا
- ۱۰- رهپیک، سیامک (۱۳۸۶)، نسبت امنیت فردی و امنیت عمومی، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، شماره اول و دوم، صص ۱۹-۹
- ۱۱- علی نژاد، منوچهر (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی امنیت عمومی، مشارکت مردمی و محله گرایی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول جدید، صص ۱۱۳-۹۵
- ۱۲- مومنی، اسکندر، جعفری، ذوالفقاری و تشکری (۱۳۸۹)، راهبردهای ارتقاء امنیت عمومی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- ۱۳- مارکوارت، مایکل، ایجاد سازمان یادگیرنده، ترجمه محمدرضا زالی، تهران: دانشگاه تهران

14-Watson, Scott, Societal security; Applying the concept on the process of Kurdish identity, 2005

15-Waver, Ole, Burry Buzan, Morten Kelstrup, Pierre Lamaitre, Identity migration and new security agenda in Europe, London: Continuum International Publishers, 1993